

آژانس یهود

نوشته

محمد عبدالرؤف سلیم

ترجمه

کاظم نراقی



انتشارات اطلاعات

تهران - ۱۳۸۶

۵۴۱ فصل یانزدهم: فعالیت آزانس یهود برای برپایی کشور در فلسطین
۵۷۱ فصل شانزدهم: آزانس یهود و جنبش مردمی در فلسطین
۵۹۹ فصل هفدهم: فعالیت جهانی آزانس یهود برای تشکیل کشور
۶۲۵ خاتمه
۶۳۹ منابع

پیشگفتار مترجم

در بررسی تاریخ غمبار فلسطین به نام‌هایی از قبیل دولت انگلیس، بالفور، کمیسر عالی انگلیس در فلسطین، جامعه ملل، سازمان جهانی صهیونیسم، آژانس یهود، دولت آمریکا، سازمان ملل متحد و... برخورد می‌شود که هر کدام از آنها نقشی بسزا در برپایی رژیم اسرائیل ایفاء کرده‌اند. درست است که این دولتها، سازمانها، افراد و... با یکدیگر ارتباطی تنگاتنگ داشته و مکمل یکدیگر بوده‌اند، اما نقش برخی از آنها چشمگیرتر بوده و می‌توانسته‌اند بر دیگران تأثیر بگذارند؛ در این زمینه، نقش آژانس یهود و سازمان جهانی صهیونیسم برجسته‌تر بوده است، زیرا این دو سازمان متولی اجرای طرح یهودی کردن فلسطین بوده، امور انتقال مهاجران یهودی به فلسطین و بسیج حمایت‌های مالی و سیاسی خارجی و داخلی از طرح یادشده را به عهده داشته‌اند. به دنبال برپایی رژیم صهیونیستی، ادارات متعلق به آژانس یهود در فلسطین، به وزار تخانه‌های دولت اسرائیل تبدیل شدند، اما آژانس یهود و سازمان جهانی صهیونیسم همچنان به فعالیت خود در خارج از فلسطین اشغالی ادامه می‌دهند.

کتاب حاضر که پایان‌نامهٔ دکتری مؤلف است، بررسی فعالیت‌های گوناگون آژانس یهود در امور فلسطین را شامل می‌شود. هر چند او در رشتهٔ اسرائیل‌شناسی صاحب نظر به حساب می‌آید، اما همانند اکثریت کارشناسان عرب بیشتر بر جنبهٔ «دربیت» مسألهٔ فلسطین تأکید می‌کند تا «اسلامیت»، در حالی که تاریخ فلسطین نشان می‌دهد که مسلمانان دناوطلبانه از این سرزمین مقدس دفاع کرده‌اند و حتی استعمار نیز بیشتر از نقش حمایتی مسلمانان هراس داشته

اقتصادی، نظامی و اجتماعی فعالیت نمود.

پژوهش حاضر با بررسی زمینه‌های فعالیت آژانس یهود و تحول آن آغاز می‌شود. فصل‌های اول و دوم به شکل‌گیری آژانس گسترش یافته یهود اختصاص دارد. سپس در چهار زمینه بی‌دری جنبه‌های گوناگون فعالیت آژانس بررسی می‌شود:

زمینه اول، شامل تلاش‌های آژانس یهود در مهاجرت است که هدف از این مهاجرت تشکیل اکثریت جمعیتی در فلسطین بود. زمینه دوم، فعالیت آژانس یهود را در انتقال زمین عرب‌ها به مالکیت یهودیها مورد بررسی قرار می‌دهد. در این باره، آژانس یهود تا اواخر دوره قیمومت توانست ۵/۷۶ درصد زمین فلسطین را به مالکیت خود در آورد که بیشتر املاک یهودیها در حاصلخیزترین مناطق فلسطین قرار داشت. املاک یهودیها همچنین ۱۲/۷۸ درصد مساحت زمینهای زیر کشت فلسطین را تشکیل می‌داد.

زمینه سوم، شامل بررسی تلاش‌های آژانس یهود در مورد اسکان مهاجران یهودی در فلسطین است. این زمینه، فعالیت آژانس یهود در بخش اقتصادی (کشاورزی، صنایع و بازرگانی) به منظور ایجاد فرصتهای شغلی برای مهاجران و کاهش میزان بیکاری در میان یهودیهای فلسطین را شامل می‌شود.

زمینه چهارم، شامل بررسی تلاش‌های سیاسی داخلی و بین‌المللی آژانس یهود در آماده‌سازی برای برپایی رژیم اسرائیل است. اگر مرکز مطالعات فلسطین به مدیریت دکتر انیس صایغ کمک‌های مالی و علمی در اختیار این نگارنده قرار نمی‌داد، انجام این پژوهش امکانپذیر نبود، زیرا اسناد و منابع اساسی این پژوهش در قاهره فراهم نبوده، در حالی که در مرکز مطالعات فلسطین، مؤسسه بررسی‌های فلسطین، دانشگاه آمریکایی بیروت و دانشگاه بیروت وجود داشته است. دکتر انیس صایغ این نگارنده را به مدت شش ماه به‌عنوان محقق میهمان در مرکز مطالعات فلسطین پذیرفت که در طی این مدت توانستم همه اسناد، گزارشها و یادداشت‌های لازم را برای انجام پژوهش حاضر گردآوری کنم.

به هنگام اقامت در بیروت، از کمک دکتر عبدالعزیز سلیمان نوار نیز برخوردار شدم، زیرا وی به دستور دکتر احمد عزت عبدالکریم، استاندار اهنمای این نگارنده، فعالیت علمی مرا بگیری می‌کرد. با کمک دکتر عبدالعزیز سلیمان توانستم جای بیشتر اسناد مورد نیاز را در مؤسسه بررسی‌های فلسطین، دانشگاه بیروت و دانشگاه آمریکایی بیروت پیدا کنم.

پس از بازگشت به میهن، دکتر احمد عزت عبدالکریم، استاندار اهنمای این نگارنده، کمک

شایانی در بهره‌برداری از اسناد و گزارش‌های گردآوری شده کردند. علاقه‌مندی ایشان به انجام پژوهش حاضر بسیار چشمگیر بود، به طوری که بیشتر وقت و تلاش خود را برای این مهم اختصاص داد تا اینکه به اتمام رسید. واللّٰه ولی التوفیق.

محمد عبدالرؤف سلیم

درآمد

زمینه‌های فعالیت آزانس بهود

بررسی ریشه‌های اطماع صهیونیسم، بحث پیدایش اندیشه صهیونیسم و انگیزه‌های ظهور آن را پیش می‌کشد. در این باره، باید مراحل فعالیت‌های مختلف صهیونیستی تا هنگام اعلام تشکیل کشور یهودی مشخص شود که عبارتند از:

۱. مرحله پیش از نخستین کنگره صهیونیسم که در سال ۱۸۹۷ در شهر بال سوئیس برگزار شد. در این مرحله، صهیونیسم در دوران شکل‌گیری عقیدتی بود؛

۲. مرحله پیش از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ - ۱۸۹۷). در این مرحله، جنبش صهیونیستی نوین، ساختاری تشکیلاتی به خود گرفت و اندیشه صهیونیسم دارای ابزاری شد که برای تحقق اهداف صهیونیستی آن گونه که نخستین کنگره صهیونیست‌ها تصویب کرده بود، فعالیت کند؛

۳. مرحله به دست آوردن اعلامیه بالفور؛

۴. مرحله یهودی کردن فلسطین در سایه قیمومت انگلیس.

نخستین کنگره صهیونیست‌ها هدف صهیونیسم را چنین مشخص ساخت: «ایجاد موطنی در فلسطین برای ملت یهود که قانون عمومی ضامن آن باشد.» این کنگره همچنین راهکارهای زیر را برای تحقق این هدف تصویب کرد:

الف. تلاش برای استعمار فلسطین به وسیله کارگران زراعی و صنعتگران یهودی

بر اساس پایه‌هایی مناسب^۱:

ب. سازماندهی یهودیت جهانی و ارتباط دادن بخشهای آن از طریق سازمانهایی محلی و بین‌المللی به گونه‌ای سازگار با قوانین جاری در هر کشور؛

ج. تقویت و تغذیه احساس و آگاهی ناسیونالیستی یهودی؛

د. برداشتن گامهای مقدماتی به منظور کسب موافقت دولتی لازم برای تحقق هدف

صهیونیستی.

تحول اندیشه آژانس یهود

هر تزل^۱ معتقد بود که اجرای این برنامه را دو تشکیلات به عهده گیرند: يك انجمن یهودی و يك شرکت یهودی.^۲ انجمن یهودی در سازمان جهانی صهیونیسم متبلور شد. اندیشه شرکت یهودی نیز تحول پیدا کرد و به صورت تشکیلاتی سیاسی و مجری طرحهای سازمان جهانی صهیونیسم در خصوص تشکیل موطن یهود در آمد و آژانس یهود نامیده شد.

شایان ذکر است که اصطلاح «موطن یهود» در بحث و بررسیهای نخستین کنگره صهیونیسم ساخته شد، زیرا صهیونیست‌ها به عللی سیاسی و استراتژیک، خواهان افزایش مقاصد واقعی خود در مورد تشکیل کشور یهودی نبودند. از این رو، آنان اصطلاح موطن یهود را مطرح کردند؛ چرا که با واقعیت صهیونیسم در آن مرحله هماهنگ تر بود.^۳ ماکس نور دو، یکی از دوستان هر تزل اول، نحوه تصویب اصطلاح مزبور در نخستین کنگره صهیونیسم را بازگو می‌کند و در این مورد می‌گوید: «بیشترین تلاش خود را به کار بردم تا طرفداران ایجاد کشور یهودی در فلسطین را متقاعد سازم که می‌توانیم اصطلاحی جایگزین را مطرح کنیم که نشان دهنده منظور ما باشد، اما آن را چنان ارائه دهیم که از تحریک عثمانیهای حاکم بر کشور مورد نظر جلوگیری کند... من به جای اصطلاح کشور، موطن را پیشنهاد کردم... اصطلاحی مبهم بود؛ اما بخوبی می‌دانستیم که معنای آن چیست. در آن برهه، معنی کشور یهود را داشت.»^۴

اندیشه مزبور همچنان به صورتی آشفته در ذهن رهبران صهیونیست‌ها بود تا اینکه مذاکرات رسمی میان صهیونیست‌ها و انگلیس آغاز شد. در اکتبر ۱۹۱۶، صهیونیست‌ها طرحی آماده کردند که شامل پیشنهادهای خود در چارچوب برنامه کار ایجاد دولتی نوین برای فلسطین و اسکان مجدد یهودیها در آن جا به صورتی همگام با آرمان جنبش صهیونیسم بود. این برنامه به عنوان پایه مذاکرات مورد انتظار انگلیس - صهیونیست‌ها به وزارت امور خارجه انگلیس

تقدیم شد.^۵

می توان محورهای این برنامه را در سه نکته اساسی مشخص کرد: به رسمیت شناختن ناسیونالیسم یهود، تشکیل يك گروه ناسیونالیستی یهودی قائم به ذات در فلسطین و تشکیل يك شرکت سهامی یهودی برای اسکان مجدد یهودیها در فلسطین.^۶

از آنجا که مفاد این برنامه حاصل تفکر رهبران نظریه پرداز جنبش صهیونیستی انگلیس بود، سندی با اهمیت ویژه شمرده می شود، زیرا ساکولو^۷ بیشتر بخشهای آن را تدوین کرد، وایزمن، موسی چاستر و هربرت بنتویچ نیز در ترسیم چارچوب نهایی آن مشارکت کردند. به علاوه، آهاد هانام و بوریس گلدبرگ در زمینه مفاد آن مورد مشورت قرار گرفتند و چند تن از رهبران بلندپایه صهیونیست های انگلیس، از جمله هربرت ساموئل و جیمز پی روچیلد نیز متن نهایی آن را بررسی کردند.^۸

بنابراین، برنامه پیشنهادی صهیونیست ها رویکردهای سیاسی مصوب رهبران صهیونیست های انگلیس را مشخص ساخت و همچنین متضمن اصول و پایه های طرحی بود که چند سال بعد در سند قیمومت بر فلسطین درج شد. برنامه مزبور شامل این پیشنهادها بود:

۱. دولت حاکم بر فلسطین پروانه تاسیس شرکتی یهودی برای استعمار یهودی در فلسطین را صادر می کند؛

۲. شرکت مزبور به عنوان نماینده منافع ملت یهود در فلسطین، مورد شناسایی قرار می گیرد و به آن اختیارات فعالیت به نام یهودیها تفویض می شود؛

۳. اهداف این شرکت شامل حفظ مستعمرات یهودی نشین اقبالا احداث شده در فلسطین و تاسیس مستعمراتی جدید و همچنین تشویق و یاری دادن استعمار یهودی در فلسطین و بهبود و توسعه طرحهای کشاورزی، صنعتی و بازرگانی در آنجاست؛

۴. حق تملك زمینهای دولتی و مستغلات، بهبود روشهای آبیاری، کشت زمین، بندر سازی، جاده سازی و سازماندهی خدمات عمومی به این شرکت تفویض می شود.^۹

آنچه نشان می دهد که شرکت مزبور رکنی اساسی در برنامه صهیونیست ها برای یهودی کردن فلسطین بود، این است که لئونارد اشتاین، دبیر کل سازمان جهانی صهیونیسم، در ۹ آوریل ۱۹۲۹ مقاله ای در جویس کرونیکل نوشت و در آن برنامه صهیونیست ها را که در اکتبر ۱۹۱۶ به دولت انگلیس تقدیم شده بود، مطرح کرد. وی همچنین بر مسأله اقدام دولت حاکم بر فلسطین به صدور مجوز تاسیس يك شرکت یهودی برای استعمار فلسطین به عنوان نخستین گام برای

اسکان مجدد یهودیها در آن جا تأکید کرد. اشتاین خاطر نشان ساخت که این شرکت همان شرکت یهودی مندرج در کتاب هر تزل درباره [بریایی] کشور یهود است. وی تأکید کرد که این شرکت هسته و اساس آژانس یهود است.^{۱۰}

وایزمن نیز در اواخر سال ۱۹۱۶ یادداشتی به پیوست این برنامه برای سر مارک سایکس فرستاد. بند دوم این یادداشت تصریح داشت که شرکتی یهودی در سایه حمایت مستقیم دولت حاکم بر فلسطین مشغول فعالیت می شود. این شرکت افزون بر وظایف پیشنهادی مندرج در برنامه، تشویق یهودیهای دیگر کشورها را که خواهان استقرار در فلسطین باشند، از راه سازماندهی مهاجرت و تقدیم هر گونه کمک مادی یا معنوی ممکن به عهده می گیرد و بر تشکیل مؤسسه‌ای برای فعالیتهای کشتیرانی از فلسطین و بالعکس نظارت می کند. برای انجام این امور هر گونه اختیارات دیگری که برای توسعه این منطقه ضروری تشخیص داده شود، به این شرکت تفویض شود. وی در یادداشت خود گام دیگری برداشت و پیشنهاد کرد که نگرشی شایسته نسبت به خواسته‌های یهودیهای جامعه فلسطین به وجود آید، به شرط اینکه طرح بهبود ساختار سیاسی کشور بر پایه به رسمیت شناختن پیوندهای تاریخی یهودیها در فلسطین باشد.^{۱۱}

با آغاز آماده‌سازی برای انجام مذاکرات رسمی میان صهیونیست‌ها و انگلیسی‌ها که در ۷ فوریه ۱۹۱۷ برگزار شد، مسأله تشکیل شرکت یهودی مطرح شد و سر مارک سایکس به اندیشه مطرح شده از نظر اصولی اعتراضی نکرد.^{۱۲}

پس از این جلسه، صهیونیست‌های انگلیس برای مذاکرات رسمی آماده شدند و در این رابطه کنگره‌ای برگزار کردند. در این کنگره چند متن بیانیه‌ای پیشنهاد شد که قرار بود دولت انگلیس آن را صادر کند و تأیید کننده اطماع صهیونیست‌ها در فلسطین باشد. در این کنگره همچنین بحثی عقیدتی در گرفت و پرده از اختلاف فکری ژرف میان رهبران صهیونیست‌ها در ارتباط با آینده حضور یهودیها در فلسطین برداشت. با وجود این، شرکت کنندگان در این کنگره در مورد لزوم تشکیل یک دستگاه صهیونیستی متولی و وظیفه یهودی کردن فلسطین اتفاق نظر داشتند. در میان این اختلافات عقیدتی، کمیته‌ای سیاسی به ریاست ساکولو تشکیل شد تا سه نمونه از طرح‌های مهم برای متن بیانیه طرف انگلیسی را که در تدوین آنها سران صهیونیست‌ها به همراه دوستان انگلیسی سازمان جهانی صهیونیسم شرکت داشتند، بررسی کند.

نخستین طرح که در ۴ ژوئیه ۱۹۱۷ بررسی شد، نشان دهنده گرایش میان‌رو و دکتر اتنگر آن را تنظیم کرده بود. این طرح تصریح داشت که سندی به سازمان جهانی صهیونیسم یا هر

مؤسسه‌ای داده شود که سازمان مزبور آن را به طور قانونی و به منظور توسعه استعمار یهودی در فلسطین تشکیل دهد.^{۱۳}

کمیته سیاسی همچنین طرح دیگری را در ۱۳ ژوئیه ۱۹۱۷ بررسی کرد که کاملاً با طرح قبلی تفاوت داشت و نشان دهنده گرایشهای جناح تندرو بود. این طرح که هربرت سایدبائم آن را ارائه کرد، می‌گفت که شرکتی دارای پروانه به نام یهودیهای سراسر جهان تشکیل شود که این شرکت مهاجرت را تشویق می‌کند و از پیشرفت اقتصادی کشور حمایت می‌نماید. شرکت مزبور جز در امور مربوط به دفاع خارجی و روابط با بیگانگان، نهادهای اجرایی را تشکیل می‌دهد، به شرط اینکه همه اقدامات آن منوط به موافقت دولت حاکم باشد. پس از آنکه شرکت مأموریت خود را به اتمام رساند، منحل می‌شود و فلسطین کشوری مستقل می‌گردد، آنگاه ملت فلسطین وارث ثمره فعالیتها و حقوق سیاسی آن خواهد شد.^{۱۴}

سومین طرح تصریح داشت که دولت اعلیحضرت با مشارکت سازمان جهانی صهیونیسم روشها و راههای لازم برای تکوین مجدد فلسطین به عنوان موطن ملی یهودیها را مشخص سازد، از قبیل دادن منشور متضمن اختیاراتی مناسب به مؤسسات صهیونیستی.^{۱۵}

سرانجام، طرحی تصویب شد که تلفیق کننده طرحهای اول و سوم بود و می‌گفت که شرکتی ملی یهودی به منظور بهره‌برداری از زمین و توجه به اسکان مهاجران و توسعه زمینهای اقتصادی کشور تشکیل می‌شود. جزئیات شرایط، اختیارات و وظایف و اساسنامه شرکت استعماری ملی یهود با مشارکت نمایندگان سازمان جهانی صهیونیسم طرح ریزی و کنترل می‌شود.^{۱۶}

هیأت صهیونیستی شرکت کننده در اجلاس صلح، در فوریه ۱۹۱۹، یادداشتی به صورت پیش نویس قطعنامه تقدیم کرد که شامل پذیرش همکاری با شورای نماینده یهودیهای فلسطین و جهان که برای ایجاد موطن ملی یهود در فلسطین تشکیل می‌شود، بود. همچنین تنظیم برنامه آموزش یهودیها به این شورا و اگذار می‌شود و دولت قیمومت نیز در واگذاری هر گونه امتیاز ویژه خدمات عمومی یا توسعه منابع طبیعی، اولویت برای این شورا قائل می‌شود.^{۱۷}

کمیسیون وائزمن به فلسطین

اعلامیه بالفور به نهاد یهودی نماینده صهیونیست‌ها در تلاش برای تسهیل بریایی موطن ملی یهود اشاره‌ای نکرد، اما پس از پخش این اعلامیه، تلاشهای صهیونیستی به منظور تشکیل این

نهاد که کمیسیون صهیونیستی در امور فلسطین (Zionist Commission for Palestine) نام گرفت، آغاز شد.

این امر بدان علت بود که طرح صهیونیست‌ها برای یهودی کردن فلسطین اقتضا کرد که به محض تصرف قدس به دست انگلیسی‌ها، در ۹ دسامبر ۱۹۱۷، تلاش‌های عملی برای اجرای مفاد اعلامیه بالفور آغاز شود. در حالی که بخش‌های زیادی از خاک فلسطین هنوز زیر کنترل ارتش عثمانی قرار داشت، صهیونیست‌ها بر دولت انگلیس فشار آوردند تا مرحله عملی یهودی کردن فلسطین را آغاز کند. این امر بدان معنا بود که در آن برهه، موانعی سر راه فعالیت یهودیها قرار می‌گرفت، زیرا آغاز مرحله یهودی کردن در آن مرحله زودرس قطعاً عر بهارا، در حالی که جنگ همچنان ادامه داشت، تحریک می‌کرد، بویژه که حدت و اکنش آنان نسبت به اعلامیه بالفور هنوز کاهش نیافته بود. به علاوه، در آن برهه آشکار بود که انگلیس لزوماً مسؤول هر گونه تحریک صهیونیست‌ها در فلسطین لا اقل در برابر متفق خود، فرانسه، خواهد بود، در حالی که شرایط نظامی متفقین، پس از کناره‌گیری روسها، تاب تحمل شکاف جدیدی را نداشت و شرایط نظامی فلسطین نیز ایجاب می‌کرد که این کشور زیر بار نظام فرمانداری نظامی قرار گیرد و هر گونه تلاش غیر نظامی باید تا پایان جنگ به تعویق افتد. همچنین متفقین هنوز بر سر پذیرفتن سیاست اعلامیه بالفور به عنوان چارچوب مشخص کننده آینده فلسطین، به توافق نرسیده بودند. با وجود بروز این موازین، فعالیت صهیونیست‌ها که پس از صدور اعلامیه بالفور آغاز شده بود، باعث گردید انگلیس رسماً با تشکیل کمیسیونی صهیونیستی موافقت کند که نشان دهنده ساختار غیر نظامی همکار فرمانداری نظامی انگلیس در حکومت فلسطین است.

وایزمن در صدد القاء این امر بود که کارشناسان انگلیسی امور خاور میانه اندیشه اعزام کمیسیون مزبور را ابتکار کرده‌اند. وی تأکید کرد که جورج پنجم، پادشاه انگلیس، با اعزام این کمیسیون تحت نظارت دولت و برنامه‌ریزی رسمی آن و در خدمت به منافع انگلیس موافقت کرده است.^{۱۸} در واقع، دولت انگلیس در پاسخگویی به تمایل سازمان صهیونیست‌های لندن اجازه اعزام این کمیسیون به فلسطین را صادر کرد.^{۱۹} اشتاین نیز خاطر نشان می‌سازد که از مارس ۱۹۱۷، اندیشه انتقال فعالیت صهیونیستی به فلسطین به ذهن وایزمن خطور کرده، در آن هنگام وی مطالبی درباره این موضوع برای اسکات می‌نوشت.^{۲۰}

چگونگی تشکیل این کمیسیون، میزان توجه وایزمن به گسترش آن را نشان می‌دهد، به گونه‌ای که کمیسیون مزبور باید بیشتر سازمان‌های یهودی کشورهای متفقین را دربرگیرد. این

امر او را داشت با همکاریانش در روسیه و ایالات متحده تماس بگیرد تا شرکت آنان را در کمیسیون تضمین کند.^{۲۱} وایزمن یادآور می‌شود که شرایط سیاسی وقت مانع از تحقق خواسته او شده است،^{۲۲} در حالی که ویلیام بل می‌گوید که لوئیتین نماینده یهودیهای روسیه بود، همچنین بی‌میلی دولت آمریکا در مورد نمایندگی یهودیهای آمریکایی در کمیسیون وایزمن، مانع از مشارکت والتر مایر به‌عنوان دستیار وایزمن نشد،^{۲۳} هر چند محافل آمریکایی با پیوستن وی به کمیسیون به‌عنوان ناظر، و نه عضو، موافقت کرده بودند.^{۲۴} نمایندگان یهودیهای انگلیس عبارت بودند از حیم وایزمن، اهارون اهارنسون یهودی رومانیایی تبار، جوزف کلوین رئیس بانک استعماری یهود، لئون سیمون رئیس انجمن صهیونیستی دانشگاه لندن که برای نظارت بر توزیع اعانات در میان یهودیهای فلسطین برگزیده شد، دکتر ادر به‌عنوان نماینده پزشکی و نماینده مؤسسه استعماری یهودی.^{۲۵} همچنین اسکویو - به‌عنوان دبیر گروه انگلیسی - به آنان پیوست. سلیوان لوی و روزنباخ نمایندگان یهودیهای فرانسه بودند. دو نظامی به نامهای اورمسبی گور و جیمز روچیلد نمایندگان دولت انگلیس بودند. روچیلد مخصوصاً به این کمیسیون الحاق شد تا حلقه ارتباط آن با مسؤولان نظامی انگلیسی در فلسطین باشد.^{۲۶} دولت ایتالیا نیز لوی بیانچینی را برگزید. در حالی که وایزمن بر این باور بود که دولت فرانسه در راستای گزینش کسی که در برابر تحرکات هیأت انگلیسی ایستادگی کند، سلیوان لوی - مخالف صهیونیسم - را به‌عنوان عضو به این کمیسیون تحمیل کرد، بارون ادموند روچیلد عقیده داشت شرکت سلیوان لوی به ستیزه‌جویی با گرایشهای ضد صهیونیستی در فرانسه کمک کرد، بویژه آنکه لوی ریاست اتحادیه جهانی اسرائیل، قویترین تشکیلات یهودی سنتی مخالف اندیشه صهیونیسم را به عهده داشت.^{۲۷} وایزمن خاطر نشان می‌سازد که بارون ادموند روچیلد، سلیوان لوی را به این منظور برای عضویت در هیأت صهیونیستی شرکت کننده در اجلاس صلح، در فوریه ۱۹۱۹ نامزد کرد که نشان دهد یهودیهای غیر صهیونیست نیز در هیأت مزبور نماینده دارند.^{۲۸}

در ۲۰ مارس ۱۹۲۰، این کمیسیون وارد قاهره شد و فعالیت خود را برای آماده‌سازی سفر به فلسطین آغاز کرد. از این رو، بیانیه‌ایی که مقاصد واقعی تشکیل خود را پنهان سازد، صادر کرد.^{۲۹} ساکولو می‌گوید که مأموریت کمیسیون صهیونیستی این بود که حلقه ارتباط میان دولت انگلیس و یهودیهای فلسطین شود.^{۳۰} با وجود این، سررونالد استورز، فرماندار نظامی شهر قدس، مأموریت این کمیسیون را در ایجاد فضای مناسب برای اجرای برنامه صهیونیست‌ها و آغاز اجرای برخی از طرحهای صهیونیستی خلاصه کرد.^{۳۱}

بند هفتم توافقنامه فیصل - وایزمن که در ۳ ژانویه ۱۹۱۹ امضاء شد، شامل پیشنهاد سازمان جهانی صهیونیسم در مورد اعزام کمیسیونی کارشناسی به فلسطین بود که اقدام به بررسی امکانات اقتصادی کشور و تقدیم گزارشی در زمینه بهترین روشهای رشد و توسعه آنجا نماید.^{۳۲}

چندی بعد، زمینه‌های فعالیت کمیسیون آن‌دک آن‌دک گسترش یافت تا شکل دولتی در حال تکوین به خود گرفت، زیرا با فرارسیدن بهار ۱۹۲۰، تعداد اعضاء آن بالغ بر یک صد تن شد و نهاد دربرگیرنده این افراد که متشکل از رئیس^{۳۳}، معاون^{۳۴}، سه عضو^{۳۵}، ناظر^{۳۶}، دبیر^{۳۷}، خزانه‌دار^{۳۸} و رئیس حسابداری^{۳۹} بود بیشتر به یک کابینه شباهت داشت. از آن سال، یعنی سال ۱۹۲۰، کمیسیون مزبور همچون دولتی در داخل دولت فلسطین شروع به کار نمود، و نفوذ آن از طریق داشتن روابط نزدیک با محافل سیاسی حاکم در لندن، از این حد نیز فراتر رفت و این از تشکیل اداراتی که از کمیسیون نشأت گرفت و تعدادشان به ۱۳ اداره رسید، روشن می‌شود.^{۴۰}

این کمیسیون در یافا، حیفا، الجلیل، صدد، طبریه، قاهره، اسکندریه و پورت سعید نماینده داشت، و چندی بعد مجمع مؤسسان تشکیل داد که این مجمع نیز چند دادگاه مدنی دائمی را تأسیس کرد.